

سیطره‌اش بر جهان را در سده بیست و یکم، در گرو آن می‌داند.

از «پایان تاریخ» فوکویاما و «برخورد تمدن‌ها» هانتینگتون گرفته تا بمب گذاری در ساختمان مرکز تجارت جهانی نیویورک در ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱، همگی صحنه‌هایی از يك سناریو و فازهایی از يك پروژه هستند که هدف آن نجات تمدن غرب از خطر انحطاط است. اگر این تحلیل از سر اتفاق درست باشد، اجلاس‌ها و گفتگوهای رسمی و سرشار از لیخندهای تلخ دیپلماتیک را چون مغازه گرگ و میش می‌توان دانست؛ مغازه‌ای که در آن گرگ خونخوار، زیبایی‌های بره بیگانه را ادیبانه توصیف می‌کند. بره بی گناه هم می‌کوشد گرگ را متقاعد سازد که شاخی ندارد و اگر آثاری از آن می‌بیند، صرفاً برای دفاع است. شوربخانه امروز عبید زاکانی نیست که این مغازه‌ها را در قصیده‌ای به نظم در آورد.

دانشمندان غربی به آن دسته از اندیشمندان مسلمان که در مقام تطبیق شریعت با مقتضیات عصر، می‌کوشند تا آیات جهاد را در قرآن کریم به «جهاد نفس» یا «جهاد دفاعی» تفسیر نمایند، با عنوان «رویکرد پژوهش خواهانه» (Apologetic Approach) اشاره می‌کنند و به این تلاش‌های معتزانه وقعی نمی‌نهند؛ اما، چنانکه کسانی ادعا می‌کنند، اگر این احساس خطر غرب به راستی ناشی از سوء برداشت و نشناختن دین اسلام و تمدن مسلمانان باشد، گفتگوی تمدن‌ها و ادیان ضرورت می‌یابد تا این برداشت نادرست برطرف شود.

پیشینه گفتگوی ادیان

اندیشه گفتگوی اسلام و مسیحیت در سال ۱۹۲۳ میلادی پدید آمد. دولت فرانسه با فرستادن نمایندگانی به دانشگاه الازهر مصر، پیشنهاد برگزاری يك کنفرانس بین‌المللی در زمینه اتحاد ادیان ابراهیمی را مطرح کرد و این کنفرانس در سال ۱۹۳۳ با شرکت مبلغان و شرق شناسان از دانشگاه‌های فرانسه، انگلستان، سوئیس، آمریکا، ایتالیا، لهستان، اسپانیا و ترکیه در پاریس برگزار شد. آخرین کنفرانس ادیان هم

● به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی ایران، تصویری بسیار نیرومند از اسلامی خاص در ذهن غربیان شکل گرفته است. این تصویر یکسره ساختگی یا پشتیبانی مراکز علمی و دانشگاهی، از راه رسانه‌ها، ساخته و پرداخته می‌شود؛ به گونه‌ای که امروزه واژه اسلام در ذهن شنونده غربی، مفاهیمی چون جهاد، تروریسم، تحجر، خشونت، تبعیض، ستم به زنان و نقض حقوق بشر را تداعی می‌کند.^۱

در واقع، مراکز دانشگاهی در غرب با طرح‌های مهم پژوهشی در زمینه علوم اجتماعی و سیاسی، با کوشش فراوان و صرف کردن هزینه‌های کلان در پی آنند که درباره این امور نظریه‌پردازی کنند؛ بنابراین، امروزه در غرب مسئله طرد و تکذیب دیگر ادیان از محافل دینی به محافل علمی و دانشگاهی راه یافته است. گرایش غالب عالمان سیاسی این است که ثابت کنند اسلام به عنوان يك نیروی سیاسی رقیب، ارزش‌های اساسی غرب را تهدید می‌کند.^۲

از سوی دیگر، با پایان جنگ سرد و از با افتادن دشمن مشترک لیبرال دموکراسی غرب، این نگرانی پدید آمد که در سایه نبود يك دشمن مشترک، ممکن است یکپارچگی جهان غرب به مخاطره افتد و در اثر نداشتن يك رقیب، تمدن غربی پویایی خود را از دست بدهد و دوران افول آن آغاز شود؛ از این رو «برخورد تمدن‌ها» نه به عنوان يك نظریه علمی، بلکه به عنوان طرحی برای استقرار نظم جهانی نو مطرح شده است؛ زیرا با نبود يك رقیب سیاسی نیرومند و دشمن واقعی، باید «خطر سبز» و «تهدید اسلامی» را برجسته کرد تا یکپارچگی تمدن غربی و پویایی آن حفظ شود.

کوشش بسیاری از مصلحان و متفکران نیک‌اندیش برای اثبات این نکته که این يك تهدید موهوم و غیرواقعی است، مبتنی بر این فرضیه است که فهم و برداشت غربیان از اسلام و مسلمانان نادرست و ناشی از سوء تفاهم است؛^۳ غافل از آنکه غرب به این سوء برداشت و سوء فهم نیاز دارد، زیرا بقای خود و استمرار سلطه و

جهان اسلام و گفتگوی ادیان

محمد حسین مظفری

پیش از جنگ جهانی دوم و در سال ۱۹۳۶ برگزار گردید.^۲

در سال ۱۹۶۴ پاپ پولس ششم، در پیامی، پیروان ادیان را به گفتگو فراخواند و این، سرآغاز مرحله دوم گفتگوی ادیان بود. در پی این دعوت در سال ۱۹۶۹ واتیکان کتابی با عنوان «راهنمای گفتگوی مسلمانان و مسیحیان» منتشر کرد و نیز در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ میلادی پیش از سیزده اجلاس و کنفرانس درباره گفتگوی ادیان و تمدن‌ها برگزار شد که مهمترین آنها دومین گفتگوی بین‌المللی «دین و صلح» بود که با شرکت ۴۰۰ نماینده از ادیان گوناگون در بلژیک برگزار شد. اجلاس مهم دیگر، کنفرانس قرطبه اسپانیا در سال ۱۹۷۴ میلادی بود که نمایندگان ۲۳ کشور مسلمان و مسیحی در آن شرکت داشتند و پس از آن در سال ۱۹۷۹ اجلاس اسلامی - مسیحی در قرطاج تونس برگزار شد.^۵

در آخرین دهه سده بیستم، فعالیت درباب گفتگوی ادیان رونق بیشتری یافت که نتیجه آن برپایی کنفرانس گفتگوی اروپایی - عربی در اردن در سال ۱۹۹۳، کنفرانس ادیان در خارطوم در سال ۱۹۹۴ کنفرانسهای استکهلم سوئد و «امان» اردن در سال ۱۹۹۵ و نیز کنفرانس اسلام و اروپا در دانشگاه آل‌البیت اردن در سال ۱۹۹۶ بود.^۶

دهمین دور «گفتگوی اسلامی - مسیحی» از ۲۸ تا ۳۰ اکتبر ۲۰۰۲ در بحرین برگزار شد که در آن گروهی از علما و شخصیت‌های فکری و فرهنگی فعال در جنبش گفتگوی ادیان حضور داشتند.^۷

مهمترین هدف برگزاری این کنفرانس‌ها و در واقع، انگیزه اساسی ضرورت گفتگوی ادیان، این بود که پیروان همه ادیان خود را از سوی جنبش کمونیسم در معرض خطر و تهدید می‌دیدند؛ از این رو، ضروری دانستند که در برابر کفر و بی‌دینی بکوشند و جبهه مشترکی پدید آورند.

هدفها و دستاوردها

ما در دنیایی با ابعاد و ویژگیهای «جهانی» زندگی می‌کنیم؛ در بخش‌های مالی و صنعت از

«تجارت جهانی» و «اقتصاد جهانی» سخن می‌گوییم؛ در عرصه سیاست، اصطلاحاتی چون «حکومت جهانی» و «جامعه بین‌المللی» رواج یافته است؛ و از لحاظ نظامی، عبارتهایی چون «صلحباتان بین‌المللی» و «اتلاف‌های چند ملیتی و بین‌المللی» به ضرورت‌های سیاسی تبدیل شده است.^۸

به نظر می‌رسد که دین نیز به عنوان یکی از ابعاد جامعه، رنگ جهانی به خود گرفته است. هرچند پاره‌ای از جنبه‌های زندگی جهانی فرصت‌های بی‌مانندی برای ادیان فراهم ساخته است که با آن پیام سعادت‌بخش ادیان را می‌توان به آسانی به سراسر جهان ابلاغ کرد، اما جنبه‌هایی از آن موجب نگرانی پیروان ادیان شده است.^۹

در سایه سنگینی که بازتاب حمله‌های ۱۱ سپتامبر و فضای جنگی حاکم بر جهان بود، اجلاس اسلامی - مسیحی در روزهای سوم و چهارم اکتبر ۲۰۰۱ در رم برگزار شد و در آن بسیاری از متفکران و شخصیت‌های علمی و مذهبی جهان اسلام حضور داشتند: نصر فرید واصل مفتی جمهوری مصر، شیخ یوسف قرضاوی، دکتر احمد کمال ابوالمجد، دکتر محمد سلیم العواء استاد دانشگاه و حقوق‌دان مصری، فهمی هویدی معاون سردبیر الاهرام، عزالدین ابراهیم مشاوری فرهنگ‌شناس شیخ زاید بن سلطان، دکتر عبداللہ تصنیف دبیر سازمان کنفرانس اسلامی، دکتر محمد ولد بیته وزیر سابق فرهنگ موریتانی و احمد طالب ابراهیمی وزیر سابق امور خارجه الجزایر.

در این اجلاس دکتر ابوالمجد اعلام کرد: صدها اجلاس، در مناطق گوناگون جهان، با حضور هزاران نفر برگزار شده است که در آنها بر ضرورت گفتگوی برابر و سریع بین تمدن‌ها تأکید کرده‌اند. این اجلاس‌ها نقاط مشترک بسیاری را آشکار کرده است اما ممکن است حوادث ۱۱ سپتامبر همه این دستاوردها را از میان ببرد و جهان را به نقطه صفر برگرداند؛ درحالی که پیش از این انفجارها، سندی از سوی سازمان ملل متحد تنظیم شده بود که می‌توانست زمینه تشکیل يك سازمان تخصصی را برای حمایت و

● حتی نهادهای دینی غرب که دارای نظام سکولار هستند، از عرصه فعالیت‌های سیاسی برکنار نیستند.

تقویت گفتگوی تمدن‌ها فراهم سازد.^{۱۰}

پاره‌ای از توصیه‌های این کنفرانس‌ها به این شرح است:

۱. شناسایی زمینه‌های مشترک ادیان توحیدی و ابراهیمی در خصوص عقیده، اخلاق و فرهنگ، با تأکید بر جنبه‌های ایجابی ادیان و تمدن‌ها.

۲. تدوین میثاق مشترکی در زمینه حقوق بشر به منظور ایجاد صلح و همزیستی میان ادیان، با از میان برداشتن «مفهوم دشمن» در فرهنگ ملت‌ها و سیاست دولت‌ها.

۳. بازنگری در تاریخ و نظام‌های آموزشی، برای حذف دشمنی و کینه‌ها و پرداختن به آموزش‌های دینی به عنوان بخشی از آموزش‌های انسانی و اساسی، با هدف ایجاد تساهل، شکیبایی و تفاهم.

۴. اهتمام همگان برای رسیدن به برداشت و فهم مشترک از این مفاهیم:

عدالت، صلح، زن، حقوق بشر، دموکراسی، اخلاق کار، تکثرگرایی، آزادی، صلح جهانی، همزیستی مسالمت‌آمیز و...

چنان که گفته شد، در دوران جنگ سرد، گفتگوی ادیان مبتنی بر ضرورت رویارویی با خطر کمونیسم بود، ولی پس از فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد، دین نقش مهمی در جهان بازی کرده و در همهٔ شئون فرهنگی، سیاسی و اجتماعی مؤثر بوده است.

سرانجام، سازمان ملل متحد، به عنوان یک سازمان سیاسی بین‌المللی، تصمیم گرفت که در کنار مجمع جهانی اقتصاد، شورای جهانی رهبران ادیان را به منظور گفتگوی ادیان تشکیل دهد.

اعضای مؤسس این شورا پیروان سیزده دین و آیین گوناگون بودند و نمایندگان هم از جمهوری اسلامی ایران و اندونزی به عنوان نمایندگان مسلمان در این شورا حضور داشتند.

در اوت سال ۲۰۰۰ میلادی سازمان ملل تنها راه‌حل مشکلات جهان را در تشکیل اجتماعی از رهبران بلندپایهٔ دینی در کنار رهبران بلندپایهٔ سیاسی دانست و به این نتیجه رسید که چنین اجتماعی است که می‌تواند جهان را نجات دهد^{۱۱} و در شرایط امروز جهان دین می‌تواند نقشی

عمده در سیاست داشته باشد. دیگر آنکه، حس مشترک همهٔ ادیان آن است که همگی مسافران کشتی توفان زده‌ای هستند که می‌بایست با تشریک مساعی و تکیه بر نقاط مشترک، آیین‌هایشان و دور از خشونت و جنگ، این کشتی را به ساحل نجات برسانند.^{۱۲}

اظهارات مساعد و مثبت کلیسای کاتولیک دربارهٔ اسلام، در دومین اجلاس واتیکان در سال ۱۹۶۴ در واقع طلیمهٔ گفتگوهای سازنده میان اسلام و مسیحیت کاتولیک بود. مشترکات بسیار میان اسلام و مسیحیت این زمینه را فراهم ساخته است که حس دشمنی ناشی از تجدید مکرر خاطرات جنگ‌های صلیبی یا همکاری و مشارکت میسیونرهای مسیحی و استعمارگران غربی، از میان برود.

مهمترین محورهای اشتراک اسلام و مسیحیت عبارت است از: اعتقاد به خدای خالق، فرستاده شدن انبیاء، اعتقاد به وحی و باور داشتن روز رستاخیز و داوری. بستریابی هم برای معارضه و اختلاف میان اسلام و مسیحیت وجود دارد: مفهوم تثلیث در الهیات مسیحی و پسر خدا خواندن عیسی مسیح (ع) که از منظر مسلمانان پذیرفتنی نیست، از سوی دیگر، این باور که قرآن کریم نهایی‌ترین و قطعی‌ترین وحی است و بر دیگر گونه‌های وحی برتری دارد، از جمله نقاط اختلاف مسیحیت و اسلام است.

در دومین اجلاس واتیکان در ۲۱ نوامبر ۱۹۶۴ و هنگام تصویب بنیادهای اعتقادی کلیسای کاتولیک، این مطالب، برای نخستین بار در تاریخ کلیسا، از سوی مراجع رسمی کلیسای کاتولیک دربارهٔ اسلام مطرح شد:

کسانی که هنوز بشارت را دریافت نکرده‌اند، در میان خلق خدا، به انحاء مختلف، جای و مرتبه دارند... ارادهٔ الهی به رحمت، شامل آن دسته از کسانی هم می‌شود که خدا را به عنوان خالق برگزیده‌اند و مخصوصاً در میان مسلمانان که به ملت ابراهیم ایمان دارند و با ما خدای واحدی را می‌پرستند؛ خدای رحمان رحیمی که روز رستاخیز در میان مردمان به داوری خواهد نشست.

● نظام‌های غربی، پس از آنکه در رویارویی با کمونیسم ناتوان ماندند، از مسیحیت به عنوان ابزاری برای مقابله با کمونیسم استفاده کردند؛ همچنین از احساسات مسلمانان به عنوان ابزاری برای شکست شوروی بهره گرفتند.

ادیان گوناگون، نمی‌توان واقعیت‌ها را نادیده گرفت.

■ اهداف پنهان: پرونده «گفتگوی ادیان» را نمی‌توان بی‌مطالعه اهداف آن و شناخت مراکز و گرایش‌هایی که این جنبش را مطرح کرده‌اند و ترویج می‌نمایند، بررسی کرد. البته، ساده لوحی خواهد بود که فقط به اهداف رسمی و اعلان شده بسنده شود و اهداف پنهان و اعلان نشده که همان بهره‌گیری از دین برای اهداف سیاسی و اقتصادی است، پنهان بماند.^{۱۲} برای نمونه، پس از آنکه ابتکارهای سیاسی و تبلیغاتی برای حل مسئله فلسطین بی‌نتیجه ماند، نمایندگان ادیان در منطقه‌ای گرد آمدند تا مسئله «تروریسم» را بررسی و حل و فصل کنند یا اینکه نمایندگانی از ادیان گوناگون، در «کوه طور» در صحرای «سینا»، اجتماع کردند تا «صلح اعراب و صهیونیست‌ها در اسرائیل» را مشروعیت بخشند.^{۱۴}

بنابراین، روشن است که این ابتکار از چه جهت شکل گرفته و چه هدفهایی را پی می‌گیرد. هدف آن است که «عملیات شهادت طلبانه» به عنوان جنایت و ترور شناخته شود و با بهانه «حمایت از غیرنظامیان»، اشغالگری‌های صهیونیسم ادامه یابد. یعنی، دین را که مدت‌ها از صحنه‌های سیاسی و اجتماعی دور مانده بود، بار دیگر برای خدمت به مصالح سیاسی به میدان آورده‌اند.^{۱۵}

■ وابستگی نهادهای دینی: ممکن است گفته شود که این گفتگوها را مؤسسه‌های دینی اسلامی و مسیحی برگزار می‌کنند؛ از این رو، نباید به هدفهای آنها بدبین بود؛ اما باید دانست که نهادهای دینی در جهان اسلام و در جهان عرب در سیطره مستقیم دولت‌ها هستند و اگر مؤسسه دینی مستقلی هم وجود داشته باشد، بسیار دشوار است که بی‌کمک گرفتن از اعتبارات و سازماندهی دولتی یا مؤسسه‌های خارجی که البته هدفهای سیاسی و اقتصادی خاص دارند، گردهمایی‌هایی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی برگزار کند. در واقع، حتی نهادهای دینی در کشورهای غربی که دارای نظام سکولار هستند، از عرصه فعالیت‌های سیاسی برکنار نیستند.^{۱۶}

در سه دهه گذشته، برگزاری این همایش‌ها روندی فزاینده داشته است، اما در جهان اسلام در ارزیابی این مسئله، وحدت نظر و اجماع روشنی پدید نیامده است؛ از این رو، شاهد قطب‌بندی و جبهه‌بندی متفکران مسلمان در این زمینه هستیم. در یک قطب این عرصه، مخالفان گفتگو سنگر گرفته‌اند و گروهی از این مخالفان عقیده دارند که روند گفتگوی بین‌دینی بر پایه اندیشه نسبت شکل گرفته است که با ایمان به «حقانیت مطلق دین اسلام» تعارض دارد. دسته دیگر، با چشم‌پوشی از میانی این حرکت، معتقدند که بانیان و هواداران گفتگوی بین‌دینی در دعوت خود صداقت ندارند و از آن به عنوان ابزاری برای رسیدن به هدفهای سیاسی و استکباری بهره می‌جویند.

در قطب دیگر، هواداران گفتگوی بین‌دینی موضع گرفته‌اند. آنان بر این باورند که دوران جزم‌گرایی مغرورانه در یافتن حقیقت و در انحصار داشتن آن سپری شده است؛ از این رو، شایسته است که در عصر رواج شکاکیت، عالمان دینی با نگاهی تاریخی به ادیان، از سر تواضع، در قطعی بودن معرفت دینی خود تردید نکنند؛ زیرا با تفکیک بین گوهر دین و معرفت بشری خود از دین و متون مقدس، بر قداست اصل دین حرمت نهاده‌اند و در عین حال، از سر فروتنی، به محدودیت دانش و کوتاهی عقل بشری در «فهم قطعی حقیقت»، اعتراف کرده‌اند.

در این مقاله می‌کشیم رویکردهای موجود درباره موضوع گفت‌وگوی بین‌دینی از سوی متفکران جهان اسلام را مرور کنیم و داوری آن را به خوانندگان وا می‌گذاریم.

رویکرد سلبی

آن دسته از علمای مسلمان که با رویکرد سلبی به موضوع گفتگوی ادیان می‌نگرند، عقیده دارند که این نشستها برای تحمیل الگوها و ارزش‌های غربی بر جوامع اسلامی است تا از این راه، حمیت و تعصب دینی مسلمانان را از بین ببرند؛ در نتیجه، با شناسایی مشترکاتی در میان

● از دید تاریخی، به نظر می‌رسد که جنبش گفتگوی ادیان در دوران استعمار یک راهکار استعماری بوده است و دولتهای استعماری از این راه کوشیده‌اند فرهنگ و تمدن ملتهای تحت استعمار را که شناخت کاملی از آنها نداشتند، به درستی بشناسند.

● دین جهانشمول که امروزه از سوی «جنبش گفتگوی ادیان» ترویج می‌شود، در انجمنهای فراماسونری تلویین شده بود؛ با این هدف که از راه دست یافتن به زمینه‌های مشترک اخلاقی و معنوی ادیان، بتوان نوعی «اخلاق جهانی» را جایگزین دین کرد؛ زیرا، اعتقاد به حقیقت مطلق ادیان موجب تشدید تعصب مذهبی می‌شود.

چنان که می‌دانیم، پاپ نقش سیاسی مهمی در مسائل جهانی دارد؛ برای مثال، ادعای یهودیان بر ضد آلمان نازی تأیید کرده است؛ یا اینکه، کلیسای کاتولیک توانسته است «لخ والس» رهبر حزب کارگران لهستان را به قدرت برساند. بنابراین، می‌توان گفت که نظام‌های غربی، پس از آنکه در رویاری با کمونیسم ناتوان ماندند، از مسیحیت به عنوان ابزاری برای مقابله با کمونیسم استفاده کردند؛ همچنین از دشمنی مسلمانان هم به عنوان ابزاری برای شکست شوروی بهره گرفتند.^{۱۷}

■ دستاوردهای جنبش: اگر اهداف پنهان و ناپسندای این جنبش را هم نادیده بگیریم، این پرسش مطرح می‌شود که این جنبش در چند دهه چه دستاوردی داشته است؟ اگر از دستاوردهای سیاسی چشم‌پوشیم، در ارزیابی دستاوردهای دینی می‌توان گفت که برگزاری این گردهمایی‌ها در محدوده تعارفات دیپلماتیک و مبادله کارت بین شخصیت‌ها بوده و هیچ هدفی را محقق نکرده و دستاوردی نداشته است.

بدیهی است که فقهای دینی مستقل و مراجع دینی هرگز نمی‌توانند از آراء خود درباره جهاد و دفاع مشروع و حق برخورداری از زندگی انسانی و فارغ از ظلم‌پذیری، برگردند. از سوی دیگر، خاخام‌های یهودی به خوبی آگاهند که عملیات شهادت طلبانه با فتوای فقهای دینی انجام می‌شود؛ پس می‌کشند که این برگ برنده را از طرف مقابل بگیرند. رهبران دینی مسیحی نیز خود را در برابر افکار عمومی جهانیان، طرفدار صلح و دوستی معرفی می‌کنند تا نشان دهند که هم با خشونت مسلمانان مخالفند و هم با اشغالگری یهودیان.^{۱۸}

در نیمه اول دسامبر ۱۹۹۷ شیخ ازهر دکتر محمد سید طنطاوی از «لاو» خاخام اسرائیل استقبال کرد و از این رو، بسیاری از محافل سیاسی این رخداد را نشانه عادی‌سازی مناسبات دینی دانستند. این روند در سال‌های اخیر گسترش یافت و شیخ ازهر از خاخام و رئیس مجلس یهودی فرانسه و پس از آن از نمایندگان «جمعیت آمریکایی صلح یهود» نیز استقبال کرد.^{۱۹}

این اقدامات در سایه عنوان «گفتگوی ادیان» صورت گرفته و با این بهانه در واقع روابط دانشگاه الازهر با صهیونیست‌ها استحکام یافته است. بر این اساس، شیخ فوزی زفراف نماینده رئیس گروه گفتگوی ادیان دانشگاه الازهر در جمهوری چک با صهیونیست‌ها ملاقات کرد. به نظر می‌رسد با این ابتکار و شجاعت، زفراف توانسته است گوی سبقت را از دکتر محمود حمدی زقزوق وزیر اوقاف و نماینده مصر در کمیته گفتگوی ادیان واتیکان برآید.^{۲۰}

پس از دیدارهای پی‌درپی طنطاوی و مسئولان الازهر با خاخام‌های یهودی به نظر می‌رسد که دانشگاه الازهر پروتکل همکاری‌های فرهنگی با دانشگاه روتردام هلند را که با مراکز صهیونیستی روابط پنهان دارد، امضاء کرده است. بدین‌سان می‌توان گفت که سناریوی گفتگوی ادیان، بخشی از طرح‌های صهیونیستی برای عادی‌سازی روابط فرهنگی و سیاسی مسلمانان و یهودیان است.^{۲۱}

از نظر تاریخی نیز چنین می‌نماید که جنبش گفتگوی ادیان در دوران استعمار به عنوان یک راهکار استعماری مورد استفاده قرار گرفته است و دولت‌های استعماری از این راه کوشیده‌اند فرهنگ و تمدن ملت‌های تحت استعمار را که شناخت کاملی از آنها نداشتند به درستی بشناسند.^{۲۲}

به همین علت، مشاهده می‌شود که در این دوران، مراکز گفتگوی ادیان، مسلمانان را به این نشست‌ها فراخوانده‌اند، در حالی که این نشست‌ها پیشتر به یهودیان، مسیحیان، بودایی‌ها و هندوها و... محدود بود؛ زیرا، با ظهور نهضت‌های اسلامی در جهان اسلام، غرب دریافت که این نهضت‌ها منافع و مصالح استعماری را به مخاطره افکنده‌اند.

پیشینه تاریخی گفتگوی ادیان در اروپا به دوران جنگ‌های مذهبی می‌رسد و شاخه پروتستان، از این جنبش به عنوان وسیله‌ای برای تثبیت وضع خود به عنوان یک مذهب مسیحی یا اقلیت دینی و نیز دستیابی به حقوق و آزادی‌های مذهبی در جوامع اروپایی که بیشتر آنها کاتولیک بودند، بهره برد.^{۲۳}

نمایندگان آن در پارلمان ادیان جهان که در سالهای ۱۹۹۳ و ۱۹۹۹ تشکیل شد، حضور داشتند. آنها در نخستین پارلمان ادیان در سال ۱۸۹۳^{۲۴} و نیز در کنفرانس «ادیان و گفتگو» در سال ۲۰۰۱ فعلاً نه شرکت کردند و از این رو پیش‌بینی می‌شود که در پارلمان بارسلونا هم که قرار است در سال ۲۰۰۴ تشکیل شود، نقش فعالی داشته باشند.^{۲۴}

بنابراین، اتفاقی نیست که ادبیات «جنبش گفتگوی ادیان» به ادبیات فراماسونری شباهت دارد و اندیشه‌های مشترکی را ترویج می‌کنند. مفاهیمی چون برادری ابناء بشر، ابوت خداوند و وحدت جهانی، در پارلمان ادیان جهان در سال‌های ۱۸۹۳، ۱۹۹۳، ۱۹۹۹ و نیز در دیگر نشست‌های مربوط به گفتگوی ادیان که در سده اخیر همواره تکرار شده است.^{۲۵}

در ایران هم این اندیشه و تفکر از سوی فرقه ضالّه بهائیت ترویج شده است؛ از این رو، شاید بتوان ادعا کرد که ظهور این فرقه در ایران، در واقع نوعی بومی‌سازی فراماسونری با فضای مذهبی و فرهنگی حاکم بر ایران بوده است. چنین است که می‌بینیم ادبیات مذهبی این فرقه با ادبیات فراماسونری شباهت بسیار دارد؛ به گونه‌ای که در گذشته‌ای نه چندان دور، کافی بود کسی را با برجسب «صلح جهانی» بنمایانند تا وابستگی او را به این فرقه ضالّه نشان دهند.

سفر عباس افندی به اروپا و آمریکا در سالهای ۱۹۱۱ تا ۱۹۱۳ کاملاً برنامهریزی شده بود. بررسی جریان این سفر و مجامعی که عباس افندی در آن حضور یافت، نشان می‌دهد که کانون‌های مقتدری در پس این ماجرا بودند و می‌کوشیدند این پیغمبر نوظهور شرقی را به‌عنوان نماد پیدایش مذهب جدید انسانی، آرمان ماسونی - تئوسوفیستی، معرفی کنند.^{۲۶}

این بررسی نشان می‌دهد که کارگردان اصلی این نمایش، انجمن جهانی تئوسوفی، یکی از محافل عالی ماسونی غرب بوده است. در این سفر تبلیغات گسترده‌ای درباره عباس افندی، به‌عنوان یکی از رهبران تئوسوفیسم صورت گرفت، تاجایی که ملکه رومانی و دخترش ژولیا، وی را به عنوان رهبر تئوسوفیسم می‌شناختند و با

■ نقش جنبش فراماسونری: بطور کلی، دین جهانشمول که امروزه از سوی «جنبش گفتگوی ادیان» ترویج می‌شود^{۲۴} در انجمن‌های فراماسونری تلویح شده بود؛ با این اعتقاد که از راه دست یافتن به زمینه‌های مشترک اخلاقی و معنوی ادیان، می‌توان نوعی «اخلاق جهانی» را جایگزین دین کرد؛ زیرا، اعتقاد به حقانیت مطلق ادیان موجب تشدید تعصب مذهبی می‌شود. همچنین با دستیابی به معیارهای معنوی مشترک، «اخلاق جهانی» و جنبه‌های معنوی و مشترک ادیان، می‌توان مبانی «صلح جهانی» را تحکیم کرد.^{۲۵}

دو انجمن فراماسونری و تئوسوفیسم در ترویج این اندیشه نقش مؤثر داشتند؛ به گونه‌ای که در درون لژهای ماسونی، تفکر دین جهانشمول برای آرمان شکیبایی دینی به‌عنوان اکسیری تبلیغ می‌شد که می‌تواند همه افراد را با هر دینی که دارند، به درون لژهای ماسونی دعوت کند. در واقع، اساس انجمن فراماسونری تساهل نسبت به هر نوع دین است.^{۲۶}

ماسون‌ها به دینی معتقدند که همه انسانها بر آن توافق دارند. آنان امور اختلافی ادیان را نیز به خود فرد واگذار می‌کنند. زیر این سقف عقلانی، همه پیروان ادیان، اعم از مسیحی، یهودی، مسلمان و برهمنی، می‌توانند بر پایه محورهای مشترک متحد شوند و از این راه، فراماسونری نه تنها از لحاظ ثوری، بلکه از نظر عملی نیز جهانشمول می‌شود؛^{۲۷} تفاوتی ندارد که شخص زرتشتی باشد یا مسلمان؛ یهودی باشد یا بودایی؛ هندو باشد یا مسیحی؛ زیرا تأکید بر این مفاهیم مشترک می‌تواند زمینه‌ساز وحدت ادیان باشد.^{۲۸}

فراماسونری مکتبی است که می‌تواند پیروان همه ادیان را با یکدیگر متحد گرداند.^{۲۹} انجمن تئوسوفیکال نیز مشابه فراماسونری «دین عقلانی» را تبلیغ می‌کند.^{۳۰} در این انجمن بر ارزش‌های مشترک تأکید می‌شود و مهمترین اصل آن «وحدت جهانشمول» است.^{۳۱} پس از مرگ بنیانگذار این فرقه، جانشین وی نیز بر رویکرد گفتگوی ادیان تأکید می‌ورزد.^{۳۲}

رهبران این فرقه امروز در سراسر جهان نقش فعالی در ترویج مفاهیم گفتگوی ادیان دارند و

● امروزه در غرب مسئله طرد و تکذیب دیگر ادیان، از محافل دینی به محافل علمی و دانشگاهی راه یافته است. گرایش غالب عالمان سیاسی این است که ثابت کنند اسلام به‌عنوان یک نیروی سیاسی رقیب، ارزشهای اساسی غرب را تهدید می‌کند.

نتیجه، اگر کسی دینی جز دین اسلام داشته باشد، جان و مالش حرمت نخواهد داشت.^{۲۲}

سلفیان عقیده دارند آن دسته از آیات قرآن کریم که استفاده از اجبار و اکراه را در امر دعوت اسلامی نفی کرده است، مربوط به اصل پذیرش اسلام است؛ یعنی، اهل کتاب برای پذیرش اسلام ملزم بلکه آنان ملزم به پرداخت جزییه می‌شوند.^{۲۳}

رویکرد ایجابی

گفته شد که در مورد موضوع «گفتگوی ادیان» موافقان گفتگو که این اندیشه را ترویج می‌کنند و به اهداف انسانی آن دلخوش کرده‌اند و مخالفانی که هدفهای ناپذیر آن را با تردید و سوءظن می‌نگرند، اختلاف نظر شدید دیده می‌شود.

کسانی که با رویکرد ایجابی به موضوع گفتگوی ادیان می‌نگرند، اعتقاد دارند که پیروان ادیان گوناگون می‌توانند با تکیه بر نقاط مشترک ادیان و نادیده گرفتن اختلافات، به گفتگو بنشینند.^{۲۴}

از سوی دیگر، بین رویکرد اسلامی که دین را روش زندگی انسان در همه ابعاد حیات فردی و اجتماعی می‌داند و دیدگاه گروه‌های علمانی و سکولار که معتقدند دین باید در محدوده زندگی فردی محصور بماند، اختلاف نظر اساسی وجود دارد. اما هر دو گروه می‌توانند بر پایه مشترکات خود، در مقابله با گروه‌های الحادی که یکسره با اساس دین مخالفند، با هم همکاری کنند؛ از این‌رو، پیروان ادیان گوناگون می‌توانند بر پایه ایمان مشترک به نقش دین در حیات اجتماعی انسان، به گفتگو بنشینند.^{۲۵}

■ **اقانیم اریعه:** جامعه بین‌المللی، در یک قرن، شاهد دو جنگ جهانی بود و بشریت، در جریان این دو جنگ، به این تجربه رسید که تمدن بشری ایجاب می‌کند که وجود طرف دیگر را درک کند و به جای برخورد، با آن همزیستی مسالمت‌آمیز داشته باشد.

این دسته از اندیشمندان معتقدند که در فضای امروز جهان، گفتگوی ادیان ضروری است. تا پیش از پایان گرفتن جنگ سرد، دین

این عنوان با وی مکاتبه داشتند.^{۲۷}

اینک در سال ۲۰۰۴ می‌خواهند «المبیک ادیان جهان» را در بارسلون برگزار کنند و مانند رویدادهای پیشین، هزاران نفر از سیاستمداران و پیروان همه ادیان و آیین‌های قابل تصور را در این همایش بزرگ شرکت دهند تا نظم سیاسی و دینی تازه‌ای برای جهان رقم بزنند.^{۲۸}

قرار است این گردهمایی عظیم را پارلمان ادیان جهان، مجمع بارسلون ۲۰۰۴ و مرکز یونسکو در کاتالونیا برگزار کنند.^{۲۹}

■ **تعارض با اصول:** برخی از متفکران مسلمان اعتقاد دارند که چنین اندیشه‌هایی با اساس حقانیت دین اسلام ناسازگار است. سخت‌ترین استدلال را در این زمینه متفکران جنبش سلفی مطرح کرده‌اند. جنبش سلفی یکی از نحله‌های فکری اهل سنت است که تأثیری مهم بر تحولات سیاسی این دوران داشته و بویژه در دهه‌های اخیر، منشأ بسیاری از حرکت‌های سیاسی جهان اسلام، از جمله در کشورهای الجزایر، مصر و افغانستان بوده است. شیوه تفکر این نحله در مبنای فقهی، بسیار گسترده و در عین حال صریح و بی‌برده است. متفکران سلفی درباره کرامت ذاتی انسان که مبنای اساسی حقوق بشر است، عقیده دارند که انسان مؤمن از حق کرامت بهره‌مند است. جان و مال آدمی مصونیت نخواهد داشت، مگر آنکه اسلام را بپذیرد. پس کافر شایسته کرامت نخواهد بود و جان و مالش حرمت نخواهد داشت. بنابراین، باید اسلام آورد یا جزیه بپردازد یا کشته شود؛ مطلب دیگری در اسلام وجود ندارد. دلیل این حکم، آیات جهاد و نیز این روایت نبوی است: من مأموریت دارم که با مردمان قتال کنم تا بر توحید و رسالت محمد گواهی دهند و نماز بگذارند و زکات بپردازند. اگر چنین کردند، جان و مالشان در مقابل من حرمت می‌یابد.^{۳۰}

آنها همچنین بر این باورند که هیچ کس مجبور نیست دین اسلام را با اکراه بپذیرد؛ اما اگر نمی‌خواهد به دین اسلام درآید، باید از سر ذلت، جزیه بپردازد؛ در غیر این صورت، شمشیر جزای او خواهد بود؛ زیرا خداوند می‌فرماید: با آنان که ایمان نمی‌آورند بجنگید تا...^{۳۱} در

● **کوشش بسیاری از مصلحان و متفکران نیک‌اندیش برای اثبات اینکه «تهدید اسلامی» یک تهدید موهوم و غیر واقعی است، مبتنی بر این فرضیه است که فهم و برداشت غربیان از اسلام و مسلمانان نادرست و ناشی از سوء تفاهم است؛ غاسفل از آنکه غرب به این سوء برداشت و سوء تفاهم نیاز دارد، زیرا بقای خود و استمرار سلطه و سیطره‌اش بر جهان را در سنده بیست و یکم در گسروان می‌داند.**

نقشی در سیاست نداشت؛ اما پس از جنگ سرد، نقشی عمده در سیاست یافت و امروزه نیز بسیاری از سیاستمداران بزرگ جهان، با حمایت رهبران دینی جوامع خود، فعالیت‌هایشان را گسترش داده‌اند. با توجه به این عامل، اگر کشوری وارد این عرصه نشود، خسارت خواهد دید. پس با توجه به موقعیت کنونی جهان، گفتگوی دینی امری ضروری است و شگفت آور نیست که سازمان‌های بین‌المللی، بودجه‌های کلان و چشمگیری برای حمایت از این اندیشه دارند.^{۲۴}

اما پرسش اساسی این است که اگر ملاک گفتگو وجود زمینه‌های مشترک است، چرا باید این گفتگو و همکاری در انحصار پیروان ادیان باشد. حقایق و اصول اربعه یعنی «حقیقت، عدالت، حریت و کرامت» زمینه‌های مشترکی است که همه انسانها، اعم از ملحدان و مؤمنان و بلکه انس و جن می‌توانند بر آن اتفاق نظر داشته باشند و محدود ساختن آن به پیروان ادیان نوعی انحصار طلبی محسوب می‌شود.

از این رو، به نظر می‌رسد که این آرمان بزرگ همان «اخلاق جهانی» است که حتی فراماسونری هم گنجایش آن را ندارد. بر این اساس، جهان امروز نیازمند «فراماسونری تازه» است تا بتواند خود را از تابوی ادیان رها سازد و جهانی نو و انسانی نو بر پایه این اقانیم اربعه بنیان گذارد.

■ **نسبیت حقیقت:** بطور کلی، اندیشه گفتگوی دینی بر اساس تئوری نسبیت حقیقت استوار می‌شود زیرا تنها با پذیرش نسبی بودن حق و اینکه هر دینی «شعاعی از حقیقت» در خود دارد، گفتگوی دینی مفهوم می‌یابد. پیدایش نظریه نسبیت در غرب موجب شد که برخی از متالهیمن مسیحی، از جمله «جان هیک»، این نظریه را با مبانی مسیحیت تطبیق دهند.

طرفداران نظریه نسبیت استدلال می‌کنند که ارزش‌های اخلاقی و عقاید دینی وابسته به شرایط فردی و ویژگیهای جوامع گوناگون است و در واقع و نفس امر، هیچ امر مطلقی به عنوان ارزش یا حقیقت، وجود ندارد. در نتیجه، وقتی درباره اعتقادات مذهبی سخن می‌گوییم، فراسوی این

امور نسبی، حقیقتی نیست که اعتقاد یا پایبندی به آنها ضرورت داشته باشد و افراد به آنها تعصب داشته باشند؛ زیرا این باورها نه حق است نه باطل، که ما نگران وجود عقاید مختلف باشیم.^{۲۷} با این استدلال، همه این عقاید، با توجه به تفاوت‌های افراد و جوامع، درست است. پس باید به همه آنها احترام بگذاریم. در حالی که شکیبایی دینی یا گفتگوی بین‌دینی درجایی مطرح می‌شود که فرد با یقین به حقایق اعتقادات دینی خود و باطل دانستن عقاید طرف دیگر، با شکیبایی در برابر عقاید طرف مقابل، با او گفتگو می‌کند.^{۲۸}

آقای مصطفی ملکیان در این زمینه اعتقاد دارد که بی‌گمان اگر من معتقد باشم که دین من تجسم حق است و دیگر ادیان تجسم باطلند، دیگر امکان گفتگو وجود نخواهد داشت. گفتگوی بین‌دینی اصولاً وقتی صورت می‌گیرد که خود و طرف گفتگویم را آمیزه‌ای از حق و باطل بدانم و معتقد باشم که من و طرف مقابل، نه حق مطلقیم و نه باطل مطلق. در غیر این صورت، اصولاً باب گفتگو بسته خواهد شد یا اصولاً چنین بابی گشوده نخواهد شد؛ بنابراین، اگر واقعاً مایل باشیم گفتگوی بین ادیان رخ دهد، این امر میسر نمی‌شود مگر آنکه از برخی ادعاهای خود دست بکشیم و معتقد باشیم همه ما آمیزه‌ای از حق و باطلیم.^{۲۹}

در مقابل، محمد لگنهاوزن عقیده دارد که تظاهر به اینکه ادیان با هم برابرند، بی‌سود و برخلاف آموزه‌های خود ادیان است. ما باید ضمن پذیرش ادعای انحصارگرانه ادیان نسبت به همدیگر، بیاموزیم که می‌توانیم در فراسوی این امور حرکت کنیم. انحصارگرایی، به معنای التزام قطعی به حقایق مطلق دین خود در برابر دیگر ادیان، به هیچ روی نافی گفتگو نیست.^{۵۰}

■ **احترام به عقاید دیگران:** در محاورات عمومی و مباحثات سیاسی، همواره مسلم فرض می‌شود که «باید به عقاید دیگران احترام گذاشت. اما باید پرسید چگونه می‌توان هم به نادرستی، بطلان و سخیف بودن امری یقین و باور داشت و هم آن موضوع باطل و آن قضیه نادرست

● **آن دسته از علمای مسلمان که بارویکرد سلبی به موضوع گفتگوی ادیان می‌نگرند، عقیده دارند بسیاری از نشست‌هایی که در این زمینه برگزار می‌شود برای تحمیل الگوها و ارزش‌های غربی به جوامع اسلامی است تا از این راه حمیت و تعصب دینی مسلمانان را از بین ببرند.**

خودشان زینت داده‌ایم. پس از بازگشت آنان به‌سوی خداوند، آنان را از کردارشان آگاه خواهیم کرد.»^{۵۱}

رویکرد محدود و هدفمند

بسیاری از مسلمانان گفتمانی ادیان را طرحی هدفمند برای تغییر رفتار مسلمانان می‌دانند و از آن استقبال نمی‌کنند. احتیاط آنان در ورود به این عرصه از آن روست که نگرانند این امر به ابزاری برای اهداف سیاسی مشخص تبدیل شود. برای نمونه، مرحوم شیخ محمد حسین کاشف الغطاء - از فقهای عراق - از اهداف ناپیدای کنفرانس «بحمدون» لبنان انتقاد کرد. کنفرانس بعمدون از ۲۲ تا ۲۷ مرداد سال ۱۹۵۴ در شهر «بعمدون» لبنان با مشارکت علمای مسلمان و مسیحی برگزار شد و هدف آن استفاده ابزاری از دین برای مقابله با کمونیسم بود.^{۵۲}

وی برگزاری این کنفرانس را در فضای حاکم بر خاورمیانه در دهه ۱۹۵۰ مشکوک دانست؛ زیرا، ایالات متحده آمریکا و بریتانیا از کشورهای منطقه به‌عنوان سپری برای امنیت خود استفاده می‌کردند (در سال ۱۹۴۶ بریتانیا ساختار امنیتی منطقه را طراحی کرد و در سال ۱۹۵۵ قرارداد امنیتی بین دو کشور منعقد شد که با پیوستن ایران، پاکستان و بریتانیا به آن پیمان بغداد نام گرفت). چنین بود که مرحوم کاشف الغطاء دعوت کنفرانس بعمدون را رد کرد و در مقاله‌ای باعنوان «المثل العليا فی الاسلام، لافی بعمدون»، استفاده ابزاری از دین را در جهت مصالح قدرتها مردود دانست.^{۵۳}

■ آموزه‌های دینی: سومین رویکرد گفتمانی ادیان، رویکرد گفتمانی محدود و هدفمند است. قرآن کریم، در ۱۴۰۰ سال پیش، پیروان کتابهای آسمانی را به گفتگو و مناظره فرا خوانده است و امروزه صاحب‌نظران برای گسترش مراد و تفاهم اندیشمندان دینی - مذهبی، و تلطیف و تصحیح افکار پیروان ادیان الهی نسبت به یکدیگر و رفع سوء تفاهمها و نیز برای بازیابی چیرایی و چگونگی باورهای معتقدان به ادیان درباره جوانب متعدد مطرح شده

را محترم شمرده؟ یکی از ارزش‌های غربی و افتخارات غرب که درباره آن تبلیغ می‌شود این است که اروپاییان حتی به عقاید مخالفان خود احترام می‌گذارند و داستان معروف دیدار ملکه انگلستان از معبد هندو و احترام گذاشتن به نمادهای آیینی آن را نمونه این شیوه افتخار آمیز نقل می‌کنند.

برای فهم درست موضوع، شایسته است که دو مطلب از هم جدا شود: یکی خوب بودن و مطلوبیت احترام گذاشتن به عقاید دیگران و دیگر قبح بی‌احترامی به عقاید دیگران. روشن است که اگر کسی به بطلان و نادرستی عقیده‌ای یقین داشته باشد و در عین حال، وظیفه داشته باشد که به آن احترام بگذارد، این تکلیف ناپسند و نارواست؛ زیرا، در این شرایط تنها می‌تواند از سرفناقی و دورویی کاری برخلاف حکم وجدان خویش انجام دهد یا آنکه مانند بازیگران نقش بازی کند و بی‌تردید برخی افراد در اجرای این نقش‌ها استاد هستند.

اما راه درست و شیوه منطقی آن است که از شخص خواسته شود تا به رغم باطل دانستن عقیده‌ای در برابر صاحب آن عقیده شکیبیا باشد و حتی او را از داشتن آن عقیده باطل معذور بداند. نتیجه منطقی آن است که شخص از بی‌احترامی به عقاید دیگران منع می‌شود؛ یعنی از او خواسته می‌شود که فعلی را ترک کند. درحالی که در صورت وجوب احترام به عقاید دیگران، از شخص خواسته می‌شود که برخلاف ندای وجدان، کاری انجام دهد و این در واقع دعوت به ریاکاری و نفاق است؛ از این رو، در یکی از آیات قرآن کریم آمده است که مشرکان را به علت اعتقادات باطل و خرافیشان، سب و دشنام ندهید، اما نمی‌گویند که به عقاید باطل و خرافی احترام هم بگذارید.

متن آیه و ترجمه آن به این شرح است:
«وَلَا تَسِبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فِسْبًا
اللَّهُ عَدُوٌّ بِغَيْرِ عِلْمٍ، كَذَلِكَ زَيَّنَّا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلَهُمْ ثُمَّ
إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ.
شما مؤمنان به آنان که غیر خدا را می‌خوانند،
دشنام ندهید تا مبدا آنان نیز از سر جهالت خدا را
دشنام دهند. ما کردار هر مردمی را در نظر

● پرونده گفتمانی ادیان را نمی‌توان بی مطالعه اهداف آن و شناخت مراکز و گرایش‌هایی که این جنبش را مطرح کرده‌اند و درباره آن تبلیغ می‌کنند، بررسی کرد. ساده لوحی است که فقط به اهداف رسمی و اعلان شده بسنده شود و اهداف پنهان و اعلان نشده که همانا بهره‌جویی از دین برای هدفهای سیاسی و اقتصادی است، نادیده بماند.

در دین، ضرورت آن را بیان داشته‌اند.^{۵۴} قرآن کریم دستکم گفتگو با اهل کتاب را مطرح ساخته است:

«قل یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمة سواه بیننا و بینکم الا نعبد الا الله و لا نشکر به شیئاً و لا یتخذ بعضنا بعضاً ارباباً من دون الله فان تولوا فقولوا اشهدوا بانا مسلمون.»^{۵۵}

«بگو ای اهل کتاب، بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است بایستیم که جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم و بعضی از ما بعضی دیگر را به جای خدا به خدایی نگیرند. پس اگر (از این پیشنهاد) اعراض کردند، بگوید: شاهد باشید که ما مسلمانیم (نه شما).»

مسلمانان، با استناد به آموزه‌های قرآن کریم، گفتگوی هدفمند و سازنده را یگانه راه برقراری مناسبات سالم و خردمندانه میان پیروان ادیان گوناگون می‌دانند:

و جادلهم بالتی هی احسن: یا بهترین روش با آنان مباحثه کن.^{۵۶}

ولا تجادلوا اهل الکتاب الا بالتی هی احسن: و شما مسلمانان با اهل کتاب جز به نیکوترین روش مباحثه نکنید.^{۵۷}

به همین علت، علمای مسلمان در اجلاس کنفرانس اسلامی در مکه مکرمه، بر تأسیس مرکز گفتگوی تمدن‌ها تأکید کردند؛ زیرا گفتگوی تمدن‌ها می‌تواند پایه‌ها و مبانی مشترکی بر اساس ارزش‌های انسانی برای صلح و امنیت بین‌المللی فراهم سازد.

اسلام، ایمان به انبیای پیشین را لازم می‌داند و فرقی بین آنان قائل نمی‌شود:^{۵۸}

«لا نفرق بین احد من رسله.» (و گفتند) ما بین هیچ یک از پیامبران خدا فرق نگذاریم.^{۵۹}

إن الذین آمنوا والذین هادوا والنصارى والصابئين من آمن بالله والیوم الآخر و عمل صالحاً فلهم اجرهم عند ربهم ولا خوف علیهم ولا هم یحزنون: به تحقیق که هر مسلمان، یهود، نصاری و صابئی که از روی حقیقت به خدا و روز قیامت ایمان آورد و عمل شایسته کند، از جانب پروردگار به اجر و ثواب رسد و هیچ‌گاه در دنیا بیمناک و اندوهگین نخواهد بود.^{۶۰}

اما، بعضی از متفکران عقیده دارند که آنچه

در متون دینی ما درباره گفتگو با اهل کتاب آمده است، با موضوع گفتگوی بینادینی که اکنون مطرح است، تفاوت ماهوی دارد. هدف از این دعوت آن است که با توجه به حقایق و مبانی مشترکی که به آنها ایمان داریم، درباره امور اختلافی با هم مباحثه (debate) کنیم تا معلوم شود چه کسی برحق است و چه کسی باطل؛ درحالی که هدف گفتگو (dialogue) تشریح مساعی برای رسیدن به رهیافت در مورد چالش‌های مشترک است تا با بهره‌گیری از تجربه فرهنگ‌ها و ادیان گوناگون، راه‌حلهایی را بیازماییم.^{۶۱}

مبانی آموزه امام صدر

تبیین مبانی نظری دکترین امام صدر در باب «گفتگو و تعایش» و بررسی اسباب موفقیت آن، مستلزم کوشش جدی و فراگیر است که در سال‌های اخیر توجه بسیاری از اندیشمندان جهان عرب و ایران را جلب کرده است. آنچه در این یادداشت اشاره‌وار مورد توجه قرار می‌گیرد، سه محور عمده است که روح حاکم بر آن را می‌نمایاند:

■ بازسازی عزت مسلمانان: امام صدر در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی که تدوین و هدایت طرح «گفتگو و تعایش» را در لبنان برعهده داشت، نه تنها در پایبندی به ارزش‌ها و موازین اسلامی و پاسداری از آنها نره‌ای فروگذار نکرد، بلکه موجبات بازسازی عزت مسلمانان را که دستکم از سه قرن پیش از آن، شهروندان درجه دو و درجه سه آن کشور محسوب می‌شدند، بدید آورد و آنان را همبای مسیحیان و در سطح شهروندان درجه یک مطرح ساخت. تأسیس مجلس اعلای اسلامی شیعه در سال ۱۹۶۹ و استقبال گسترده طوایف مسیحی از آن، شاهدهی بر این مدعاست. در ارزیابی این رویداد سفارت آمریکا در بیروت، در گزارشی نوشت:

«رهبران مسیحی لبنان از تأسیس این مجلس خوشحال هستند و مصممند از تمامی راه‌های ممکن به آن کمک کنند. وضعیت جاری بیانگر موقعیت ممتاز و محبوبیتی است که آقای صدر در جامعه مسیحی لبنان دارا می‌باشد.»^{۶۲}

● به طور کلی، اندیشه گفتگوی بینادینی بر اساس تئوری نسبیت حقیقت استوار است؛ زیرا، تنها با پذیرش نسبی بودن حق و اینکه هر دینی شعاعی از حقیقت رادر خود دارد، گفتگوی بینادینی مفهوم می‌یابد.

■ **القای معنویت به پیروان دیگر ادیان:** امام صدر در عرصه «گفتگو و تعایش» نه تنها مراتب عقلانیت و خردورزی اسلام را به نمایش گذاشت، بلکه همزمان با آن، موجی از عشق به خدا و صفای باطن را با دعوت مسیحیان، در دیرها و کلیساهای سراسر لبنان و نیز در میان پیروان دیگر ادیان پدید آورد و با سخنرانی‌های پرشور خود در دیرها و کلیساهای لبنان، از «دیرالمخلص» در جنوب تا کلیساهای «کبوجیه» در بیروت و «مارمارون» در شمال، این رسالت مهم را به انجام رساند.^{۶۳}

■ **خدمت به انسان:** از دغدغه‌های اصلی امام صدر آن بود که از رهگذر همکاری پیروان ادیان که آن را ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای امروز لبنان و فردای جهان می‌دانست، به حل مشکلات دنیوی انسان معاصر همت گمارد. همراهی تنگاتنگ رهبران دینی و توده‌های مسیحی لبنان با او که اوج آن در مبارزات «حرکت المحرومین» علیه حرمان، رفع خطر تقسیم، خاموش ساختن آتش جنگ و تأسیس مقاومت لبنان دیده شد، بهترین گواه این مدعاست.^{۶۴}

سخن پایانی

۱. در پی حوادث ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ میلادی، شصت تن از شخصیت‌های علمی و فرهنگی آمریکا از جمله: فوکویاما و هانتینگتون، نویسندگان کتاب‌های «پایان تاریخ» و «برخورد تمدن‌ها»، از سوی مؤسسه ارزش‌های آمریکایی، نامه‌ای با عنوان «برای چه می‌جنگیم؟» خطاب به جهان اسلام منتشر کردند.^{۶۵}

آنان ضمن تقدیس سیاست جنگ طلبانه، به دفاع از ارزش‌های آمریکایی به عنوان ارزش‌هایی مطلق و جهانشمول پرداختند. ساموئل هانتینگتون یکی از امضاکنندگان این بیانیه و نظریه‌پرداز برخورد تمدن‌ها در این زمینه گفته است:

غرب از تمدن‌های دیگر متفاوت است، نه به این دلیل که توسعه یافته است، بلکه به علت خصوصیات متمایز ارزش‌ها و نهادهايش که موجب گردیده پیشرو مدرنیسم باشد و آن را در سراسر جهان

گسترش دهد.^{۶۶}

طرفداران نظریه جهانشمولی حقوق بشر معتقدند که ارزش‌های غربی، نهادها و فرهنگ آنها بالاترین، روشن‌ترین، آزادترین، منطقی‌ترین، مدرن‌ترین و متمم‌ترین نوع تفکر بشری را در بر می‌گیرد... این اعتقاد که مردمان غیر غربی باید ارزش‌ها، نهادها و فرهنگ غربی را بپذیرند برای آن است که این فرهنگ را جهانی نموده و در سراسر جهان گسترش دهند.^{۶۷}

۲. بسیاری از هواداران جنبش گفتگوی بینادینی به این موضوع با رویکردی عمل‌گرایانه و پراگماتیک می‌نگردند؛ بنابراین، با نادیده گرفتن مبانی فکری و فلسفی این حرکت، عقیده دارند که باید از استعداد‌های ادیان گوناگون برای رویارویی با این چالش‌ها بهره گرفت. گفتگوی بینادینی به معنی آن است که جامعه بشری با مسایل و مشکلاتی مواجه است که کاملاً جنبه جهانی دارند و جوامع مختلف، به فراخور اعتقاداتشان، می‌توانند راه‌حل‌ها و رهیافت‌های متفاوتی ارائه کنند.^{۶۸}

اما باید دانست که چنین گفتگوی در صورتی مفید و مؤثر خواهد بود که درباره مفهوم، قلمرو و اهداف آن بین شرکای گفتگو اتفاق نظر وجود داشته باشد. چنین به نظر می‌رسد که این پیش‌فرض در مورد گفتگوی بینادینی و بینافرهنگی تحقق نیافته است؛ زیرا، شواهد نشان می‌دهد که مهمترین چالش و رویارویی جهان اسلام با دنیای غرب شکل گرفته است. در واقع، سیاستمداران و متفکران غربی ارزش‌های تمدن خود را چنان مطلق دانسته‌اند که گویا دیگران مکلف هستند از آنها، بی‌چون‌چرا، پیروی کنند؛ بنابراین، گفتگوی بینافرهنگی و دینی به معنای این است که بتوانند بخشی از متفکران جوامع مورد نظر را با این ارزش‌های مطلق هماهنگ سازند و به این ترتیب، وظیفه بومی‌سازی را به خوبی به انجام رسانند؛ زیرا، اجرای این طرح مدتی است که از راه‌های سیاسی و نظامی آغاز شده است و بومی‌سازی این افکار می‌تواند از پیامدهای منفی آن بکاهد.

● **مصطفی‌الملکیان عقیده دارد:** اگر من معتقد باشم که دین من تجسم حق است و دیگر ادیان تجسم باطل اند، بی‌تردید دیگر امکان گفتگو وجود نخواهد داشت. گفتگوی بینادینی اصولاً وقتی صورت می‌گیرد که خود و طرف گفتگویم را آمیزه حق و باطل بدانم و معتقد باشم که من و طرف مقابلم، نه حق مطلقیم و نه باطل مطلق... بنابراین، اگر واقعاً بخواهیم که گفتگوی بین ادیان باشد، باید از برخی ادعاهای خود دست بکشیم و معتقد باشیم که همه ما آمیزه حق و باطلیم.

● محمد لگنهاوزن بر این باور است که تظاهر به اینکه ادیان با هم برابرند، بیهوده و برخلاف آموزه‌های خود ادیان است. ما باید ضمن پذیرش ادعای انحصار گرایی ادیان نسبت به همدیگر، بیاموزیم که می‌توانیم فراسوی این امور حرکت کنیم. انحصار گرایی، به معنای التزام قطعی به حقانیت مطلق دین خود در برابر دیگر ادیان به هیچ روی نافی گفتگو نیست.

versity, Egypt).

9. See Generally: Josef Boehle, **Inter-religious Co-operation in a Global Age**, (University of Birmingham, UK: PhD Thesis, 2001); see also: Douglas Johnston and Cynthia Sampson (eds), **Religion, the Missing Dimension of Statecraft**, (New York: Oxford University Press, 1994), p. VIII; Josef Boehle, "Inter-religious Cooperation and Global Change: From a Clash of Civilisations to a Dialogue of Civilisations", **Pacifica Review: Peace, Security and Global Change**, (Volume 14, Number 3, October 2002).

۱۰. د. خالد شوکات، «القيمة الإسلامية - المسيحية... يا فرحة ماتمت!»

11. See: The Millennium World Peace Summit of Religious and Spiritual Leaders: Commitment to Global Peace.

12. See also: Declaration on the Role of Religion in the Promotion of a Culture of Peace, (Barcelona: Centre UNESCO de Catalunya, 1994).

۱۳. عبدالرحمن سعید، «الاخلاق الصهيونية للأزهر»: نك به منزلگاه اینترنتی:

<http://alarabnews.com/alshaab/GIF/04-01-2001/a3.htm>

۱۴. همان.

۱۵. همان.

۱۶. همان.

۱۷. همان.

۱۸. همان.

۱۹. همان.

۲۰. همان.

۲۱. عبدالرحمن سعید، پیشین.

۲۲. حسام، تمام، پیشین.

۲۳. همان.

24. See generally: Marcus Braybrooke, **Faith and Interfaith in a Global Age** (Grand Rapids, MI: CoNexus Press, 1998), pp. 16,120

25. See generally: Marcus Braybrooke, **A World Body for the World Religions? A Historical Perspective**.

26. Statements by the editor in the Foreword, Melvin Maynard Johnson, **Universality of Freemasonry** (Washington DC: The Masonic Service Association, March 15, 1957).

27. Albert G. Mackey, **A Text Book on Masonic Jurisprudence** (New York, NY: Red-

۳. اگر این پیش فرض از سر اتفاق تحقق یابد، گفتگوی واقعی و صادقانه در صورتی ممکن است که هر يك از طرفهای گفتگو به باورها و ارزش‌های خود ایمان و یقین داشته باشد.

بنابراین، محمد لگنهاوزن در نظرش صائب است که می‌گوید: برخی می‌پندارند که ادعای برتری مطلق سنت دینی یکی از موانع اصلی گفتگوی بیندینی است؛ اما من با این فرض موافق نیستم و فکر می‌کنم که ما هم می‌توانیم با دیگران وارد گفتگوی بیندینی پر بار و عمیق شویم، بی آنکه لازم باشد هیچ يك از طرف‌های گفتگو از اعتقاد راسخ به برتری مطلق دین خود نسبت به ادیان دیگر دست بردارد.^{۶۱}

۴. با وجود این، برای ثمربخش بودن این حرکت، لازم است اهداف گفتگو به درستی تعیین شود و منافع و مصالح راستین جامعه بشری مد نظر قرار گیرد. تعیین صادقانه اهداف گفتگو می‌تواند بدبینی‌های جدی نسبت به اهداف پنهان جنبش را برطرف سازد. با توجه به تجربه گذشته، به نظر می‌رسد که بنیان این حرکت باید ثابت کنند که در صدد بومی‌سازی ارزش‌های یکی از طرف‌ها یا تحمیل آنها به طرف دیگر نیستند.

یادداشت‌ها

۱. ارغون، محمد، گزارش گفتگو (ماهنامه)، سال اول، ۴۰:۱.

۲. همان، ۴۱.

۳. این عبارات اشاره‌ای است به اثری با عنوان:

The Islamic Threat: Myth or Reality?

۴. عبد، عبد، **أكلوية الحوار بين الأديان و تقارب الأديان**. ۵. همان.

6. See: "Religions, Civil Society and International Institutions"; Available at:

<http://www.globalforum.org/research/researchproject.html>.

۷. عبدالملك سالم، «الحوار الإسلامي - المسيحي... و صدام الحضارات».

<http://www.alwatan.com/graphics/2002/11nov/6.11/heads/oot11.htm>

8. See Generally: Kamal Aboulmagd, **The Role of Religion In A Globalising World: An Agenda for A Joint Action**. (Attorney at Law, Professor. Faculty of Law, Cairo Uni-

رسول الله وبقیموا الصلاة و یؤتوا الزکاة فإذا فعلوا ذلك عصموا منی دمانهم و أموالهم.

۴۱. وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ

فَإِذَا انسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرْمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَأَحْضُرُوهُمْ وَأَقْبَلُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصَدٍ وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلَّهُ لِلَّهِ.

فَقَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ

۴۲. برای مطالعه بیشتر نک به: ناصر بن محمد الفهد، طلیعة التنکیل بما فی (بیان المثقفین) من الاباطیل.

۴۳. همچنین ر.ک: عبدالعزیز بن فیصل الراجحی: ثم زعموا أن أساس العلاقات بین المسلمین و غیرهم

فی الاصل هو العدل، والإحسان، والبر، واستدلوا بقوله تعالی - المنسوخ بآیه السیف - : (لَا يَتَّخِذُ الْكُفْرُ مِنَ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوا فِي الدِّينِ وَلَا يُحَرِّجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ) (الممتحنة: ۸).

۴۴. «ان الحوار بین الاسلام و المسيحية ممكن على اساس الانجيل والقرآن»، نک به منزلگاه اینترنتی: <http://www.fda3.net/4.ht>

همچنین نک به: یوسف الهادی، «مستقبل حول المسيحية و الاسلام... التوحيد منطلق»، قابل دسترسی در منزلگاه اینترنتی:

<http://home.bip.net/shia/artiklar/15.htm>

۴۵. د. حمزة زوبع، «حوار الاديان... تمثيلية سياسية برداء ديني»، نک به منزلگاه اینترنتی:

<http://www.islamonline / Arabic Politics / 2002/02/article9.shtml>

۴۶. حسام، تمام، «حوارات الاديان: ضرورة إنسانية أم مؤامرة عالمية؟»، نک به منزلگاه اینترنتی:

<http://www.islamonline.net/iol-arabic/dow-alia/mafahem-15.asp>

۴۷. cf. Jay, Newman, "Metaphysical Relativism", *The Southern Journal of Philosophy*, 1974 Vol. 12 pp. 435-448.

۴۸. ر.ک به: مظفری، محمدحسین، نابردباری دینی (تهران ۱۳۷۶) ۱۸۱۹.

۴۹. ملکیان، مصطفی (گفتگو)، «مدارا، گفتگو و دین»، گزارش گفتگو (ماهنامه)، سال اول، ۹:۱.

۵۰. لنگه‌اوزن، محمد، «میل صادقانه به ایجاد تفاهم»، گزارش گفتگو (ماهنامه)، سال اول، ۲۱:۱.

۵۱. انعام / ۱۰۸.

ding and Company, n.d), p. 95.

28. Albert Pike, *Morals and Dogma of the Ancient and Accepted Scottish Rite of Freemasonry* (Charleston, SC: Supreme Council of the Thirty-Third Degree for the Southern Jurisdiction of the United States, 1871), p.525.

29. Joseph Fort Newton, *The Religion of Masonry: An Interpretation* (Masonic Service Association, 1927), p. 11.

30. H.P. Blavatsky, *The Key To Theosophy* (Pasadena, CA: Theosophical University press, 1995- originally published in 1889), p. 13.

31. H.P. Blavatsky, *The Secret Doctrine, Volume 1* (Pasadena, CA: Theosophical University Press, 1988- originally published in 1888), p. 58.

32. Annie Besant, *The Universal Text Book of Religions and Morals* (London, UK: Theosophical Publishing Society, 1921), p.1.

33. Paul Trafford, "Interfaith: An Overview", Available at:

<http://www.chezpaul.org.uk/interfth/overview.htm>.

34. See, Carl Teichrib, "An Inside Look at the Global Interfaith Agenda", *Hope For The World Update*, Spring 2001, p. 4-6. This conference was co-sponsored and organized by the Council for a Parliament of the World's Religions, the World Congress of Faiths, and the International Association of Religious Freedom (the oldest interfaith body in the world).

35. Charles Carroll Bonney, "Words of Welcome" *The Dawn of Religious Pluralism* (edited by Richard Hughes Seager, Open Court Publishing), p. 22.

۳۶. شهبازی، عبدالله، «کانون بهائی گری در حجة تاجران تریاک»، جام جم، ۱۶ مرداد ۱۳۸۲، ص ۱۳.

۳۷. همان.

38. 2004 Parliament of the World's Religions; Pathways to peace: The Wisdom of Listening, The Power of Commitment; Barcelona, Spain July 7-13, 2004.

39. See Also: Carl Teichrib, "An Inside Look at the Global Interfaith Agenda", *"Hope For The World Update*, Spring 2001, p. 4-6.

۴۰. قال رسول الله صلى الله عليه و سلم: أمرت أن أقاتل الناس حتى يتشبهوا أن لا إله إلا الله وأن محمداً

● علمای مسلمان در

اجلاس کنفرانس اسلامی در مکه مکرمه بر تأسیس مرکز گفتگوی تمدنها تأکید کردند، زیرا گفتگوی تمدنها می تواند پایه ها و مبانی مشترکی بر اساس ارزشهای انسانی برای صلح و امنیت بین المللی فراهم سازد.

http://www.kuftaro.org/Arabic/Kuftaro-Book/3-1-5.htm

۵۹. سورة البقرة: ۲۸۵.

۶۰. سورة البقرة: ۶۲.

۶۱. همان، ۱۵-۱۴.

۶۲. «ادیان در خدمت انسان»، ترجمه حمیدرضا

شریعتمداری. نك به منزل نگاه اینترنتی:

http://www.imamsadrnews.org/Andisheh/kobushiyyin.htm

۶۳. همان.

۶۴. همان.

۶۵. لماذا نقاتل؟... رسالة من مشقفي امريكا إلى العالم

الإسلامي؛ مجلة العالمية

۶۶. ساموئل هاتینگتون، تمدنها و بازسازی نظم جهانی،

ترجمه مینو احمد سرتیپ، تهران (۱۳۸۰)، ۲۵۲.

۶۷. همان، ۲۵۱.

۶۸. ملکیان، مصطفی؛ پیشین، صص ۱۲-۱۱.

۶۹. لگنهاوزن، محمد، پیشین، ص ۲۱.

۵۲. عبدالرزاق، صلاح، «العالم الاسلامی و الغرب: دراسة

فی القانون الدولي الاسلامی» نك به منزل نگاه اینترنتی:

http://www.darislam.com/home/esdarat/dakh/alaam/data/fihrist.htm

۵۳. کاشف الغطاء، محمدحسین، «المثل العليا فی الإسلام

لا فی بحدون»، ص ۳۳-۳۱.

۵۴. پرجم، اعظم، «گفتگوی سه دین الهی پیرامون معنی

نیوت»، نك به منزل نگاه اینترنتی:

http://tr.ui.ac.ir/Farsi-Pages/Magazine/M.16.17/8-Parcham.htm#top

۵۵. آل عمران / ۶۳.

۵۶. النحل ۱۲۵.

۵۷. العنكبوت: ۴۶.

۵۸. همچنین ر.ك. به مصاحبه شیخ كفتارو مفتی

جمهوری عربی سوریه (کلمه سماحة الشيخ أحمد كفتارو

مع وفد الكنيسة المصلحة فی سويسرا؛ جرى الحوار بدمشق

بتاریخ ۱۰/۸/۱۹۹۳ م حوار مع وفد الكنيسة المصلحة فی

سويسرا) در منزل نگاه اینترنتی:

● برای ثمربخش بودن

گفتگوی ادیان، باید اهداف

آن به درستی تعیین شود و

منافع و مصالح راستین

جامعه بشری مدنظر قرار

گیرد.

تعیین صادقانه اهداف گفتگو

می تواند بدبینی هانسبت به

اهداف پنهان جنبش را

بر طرف سازد؛ همچنین،

بانیان این حرکت باید ثابت

کنند که در صدد بومی سازی

ارزشهای یکی از طرفها یا

تحمیل آنها به طرف دیگر

نیستند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی